

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک **۲۲** • تلفن: **۵۴** و **۸۸۹۳۶۲۷۰** • شماره: **۵۰۵۷**• **۱۲ صفحه**
**۸۸۹۲۵۶۶۷**
تلفن آگهی‌ها: **۸۶۰۳۶۱۱۹** • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: **۷-۴۴۰۱۹۸۰۵** • تلفن امور مشترک‌کین: **۸۸۹۰۳۵۴۸**
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: **۶۶۲۸۷۳۴۴** • چاپ: صمیم

# شترتوزنامه

**یکشنبه ۵ اسفند ۱۴۰۳ • ۲۴ شعبان ۱۴۴۶ • ۲۳ فوریه ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۵۷• ۱۲ صفحه**
**اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۸:۲۱ • اذان صبح فردا ۵:۱۷ • طلوع آفتاب ۶:۴۱**

www.sharghdaily.com



aparāt:tasvirshargh



Telegram:SharghDaily



youtube:sharghdaily



twitter:sharghdaily



instagram:sharghdaily1

### آمارخوانی

## هزینه روزانه ۹۵ میلیارد تومانی دولت برای صداوسیما

هر روز ویدئوویی از برنامه‌های مختلف صداوسیما منتشر می‌شود که به تخریب دولت می‌پردازند. این روند ادامه‌دار موجب شده این پرسش مطرح شود که چرا دولت باید سهم چیزی را بپردازد که از آن نفعی نمی‌برد و همچنین مردم چرا باید از سهم خود چیزی بی‌نفع برداخت کنند که از آن استفاده نمی‌کنند یا رغبتی به آن ندارند؟ هرچند در سال ۱۴۰۳ با توجه به سانحه سقوط رئیس‌جمهور، برگزاری مناظره‌ها برای انتخابات، دو بار حمله اسرائیل به تهران و دوباره حمله ایران به اسرائیل و همچنین ترور اسماعیل هنیه در روز تحلیف رئیس‌جمهور چهاردهم، میزان مراجعه به صداوسیما بیشتر از قبل بود، اما آیا غیر از این توجه‌های مقطعی، استقبال در بقیه روزها نیز ادامه دارد؟

### سهم هر خانواده

سال پیش در هفت بهمن نمایندگان مجلس بودجه سازمان صداوسیما را ۲۴ همت تعیین کردند. دولت مکلف شد اعتبارات سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران را معادل ۲۴۰ هزار میلیارد ریال ارائه کند. این مصوبه برای سال ۱۴۰۳ است که در انتهای ای قرآن داریم و با توجه به اینکه سهم هر ایرانی از این بودجه ۲۸۲ هزار تومان است، می‌توان بیان کرد هر خانواده ایرانی هزینه یک میلیون و صد هزار تومانی برای صداوسیما می‌پردازد.

### سهم دولت برای صداوسیما

از طرفی طبق همین بودجه صداوسیما که این روزها مدام به دولت حمله می‌کند، روزی ۶۵میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان برای دولت خرج داشته‌است که البته بخش زیادی از این هزینه‌ها به دلیل بالابودن تعداد کارکنان این سازمان است. طبق آمار رسمی، سازمان صداوسیما نزدیک به ۴۸ هزار نیرو دارد.

### درآمدهای جانبی

صداوسیما در جدول هزینه‌های تبلیغاتی که منتشر کرده، درآمدی که به صورت حداقلی از پخش زنده بازی‌های استقلال و پرسپولیس در نظر گرفته ۳۲ هزار میلیارد تومان است و اعلام کرده حداکثر ۵۸ هزار میلیارد از بازی‌های پخش زنده استقلال و پرسپولیس درآمد دارد؛ یعنی حدود ۱۱۰ هزار میلیارد بودجه در اختیار صداوسیماست.

### مخاطبان چند درصد

چندی پیش خبرتالاین به مقایسه آمار ایسپا و صداوسیما پرداخت. طبق آمار صداوسیما، هرکس یک‌ریع تلویزیون تماشا کند یا به رادیو گوش دهد مخاطب صداوسیماست و آمار ارائه‌شده بر مبنای این است که در روستاها ۷۸٫۰۳ درصد، در شهرستان‌های تابعه هر استان ۶۹٫۰ درصد و در مرکز استان ۶۷٫۰۳ درصد پای تلویزیون می‌نشینند.

اما ایسپا، مرکز نظرسنجی دانشجویان، به سراخ مردم رفته تا بداند آنها تماشاگر اخبار هستند یا سریال‌های صداوسیما و در کل پای کدام برنامه رسانه ملی می‌نشینند. فقط ۱۲٫۵ درصد مردم اخبار را از سازمان صداوسیما دریافت و فقط ۱۱٫۵ درصد مردم فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیون را دنبال می‌کنند. در واقع این پرسش مطرح است که کدام آمار درست است، ۲۲ درصد یا ۷۰ درصد؟

### سهم روزانه ۹۵ میلیارد تومانی

در لایحه ارسال‌ی دولت برای بودجه سال ۱۴۰۴، مبلغ ۳۵ هزار میلیارد تومانی برای صداوسیما در نظر گرفته شده است. این رقم به معنای پرداخت سالانه حدود ۵۰۰ هزار تومان از سوی هر ایرانی و دو میلیون تومان در یک خانواده برای اشتراکی است که بسیاری از مردم حتی به اندازه یک هفته هم از آن استفاده نمی‌کنند. البته سهمی که دولت در سال بعد برای هر روز صداوسیما می‌پردازد، حدود ۹۵ میلیارد تومان (۹۵میلیارد و ۸۹۰ میلیون تومان) است. حال سؤال این است از این هزینه‌ای که دولت قرار است صرف صداوسیما بکند، چه عایدی خواهد داشت؟ مردم و خانواده‌های ایرانی چه عایدی خواهند داشت؟

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران، میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک **۲۲** • تلفن: **۵۴** و **۸۸۹۳۶۲۷۰** • شماره: **۵۰۵۷**• **۱۲ صفحه**
**۸۸۹۲۵۶۶۷**
تلفن آگهی‌ها: **۸۶۰۳۶۱۱۹** • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: **۷-۴۴۰۱۹۸۰۵** • تلفن امور مشترک‌کین: **۸۸۹۰۳۵۴۸**
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: **۶۶۲۸۷۳۴۴** • چاپ: صمیم



یل حاج سید محمد زنجان که در زمان قاجار توسط فردی به همین نام ساخته‌شده است، از نظر معماری یک افتخار ملی کشور محسوب می‌شود. اما این روزها این یل در سایه غفلت متولیان به یک زباله‌دانی بزرگ تبدیل شده است. عکس:عرفان تقی بیگلوفارس

# چقدر آب برای احیای دریاچه ارومیه لازم است



### مهدی زارع

کیلومتر مربع و تبخیر یک متر در سال باشد، تلفات تبخیر سالانه ۳۰۷ میلیارد مترمکعب است. بنابراین ورودی رودخانه‌ها، بارندگی و… برای حفظ دریاچه باید حداقل ۳۰۷ میلیارد مترمکعب/سال باشد. اما جریان ورودی به دلیل انحراف آب کمتر است، بنابراین طرح احیا باید شامل کاهش مصرف آب و افزایش جریان ورودی باشد. حجم رسوبات ته‌نشین‌شده در دریاچه ارومیه از سال ۱۳۷۵ تا ۱۴۰۳ حدود ۴۰۰ تا ۸۰۰ میلیون مترمکعب برآورد شده است. سرعت رسوب‌گذاری میانگین پنج تا ۷٫۵ میلی‌متر در سال است. مساحت سطح دریاچه به‌طور قابل توجهی در نوسان بوده است. در ۲۸ بهار سال، رسوب جمعی با ضرب نرخ سالانه رسوب‌گذاری در مساحت و زمان قابل برآورد است. البته مداخلات انسانی (مانند سدهای ساخته‌شده و کشاورزی)

عرضه رسوب را تغییر داده است. برای ارقام دقیق، بررسی‌های مستقیم ژرفاسنجی یا مدل‌های هیدرولوژیکی بازمینی‌شده خاص دریاچه ارومیه مورد نیاز است. دریاچه ارومیه در دهه‌های اخیر نیز خشک‌شدگی قابل توجهی را تجربه و تغییرات اقلیمی در کنار فعالیت‌های انسانی نقش مهمی ایفا کرده است. این منطقه شاهد افزایش قابل توجه میانگین دما بوده که چند دهه گذشته تقریبا یک تا ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته است. دمای بالاتر سرعت تبخیر را تسریع می‌کند و به‌طور مستقیم سطح آب دریاچه را کاهش می‌دهد. ژرفای کم دریاچه ارومیه (متوسط پنج تا شش متر) آن را به‌ویژه در برابر تبخیر آسیب‌پذیر می‌کند که ۶۰ تا ۶۵ درصد از اتلاف آب آن در دوره‌های خشک را تشکیل می‌دهد. مدل‌های اقلیمی حاکی از کاهش بارندگی سالانه در حوضه دریاچه ارومیه، به‌ویژه در زمستان و بهار است. این کاهش جریان مستقیم آب از بارندگی را کاهش می‌دهد.

دهماهای گرم‌تر انواع بارندگی را تغییر داده است و بارش‌های زمستانی به‌جای برف بیشتر به صورت باران می‌بارد. این امر باعث کاهش برف در

## «امیرمحمد خالقی» و یک آسیب جمعی

توزیع شده‌اند. افرادی که به منابع مشروع دسترسی ندارند، ممکن است برای رسیدن به اهداف خود از روش‌های نامشروع استفاده کنند. وقتی فرد احساس کند که هیچ راه قانونی و مشروعی برای خروج از شرایط دشوار خود ندارد، احتمال ورود به مسیر جرم افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی رابرت سامپسون نیز می‌تواند این ماجرا را توضیح دهد. این نظریه بیان می‌کند در مناطقی که پیوندهای اجتماعی ضعیف هستند و فرصت‌های اقتصادی کم است، نرخ جرم افزایش می‌یابد. احتمالا احمد و امیر در محیط‌هایی بزرگ شده‌اند که فاقد سیستم حمایتی قوی بوده و آنها را به سمت انتخاب‌هایی سوق داده که سرانجامی جز زندان یا مرگ نداشته است. مرگ در یک نزاع خیابانی، اورژر یا چه می‌دانیم خودکشی و اعدام، ما داغ‌دار سوگ «امیرمحمد» هستیم، برای همیشه هم خواهیم بود، این حادثه یک تراژدی فردی نیست، بلکه تصویری از یک شکست جمعی است. ما همگی شکست خوردهایم و صلیب رنج‌های خودمان را به دوش می‌کشیم. هرکدام به شکل خاص خودمان. احمد و امیر هم جوانان این خاک هستند. ای کاش هیچ‌کدام‌شان از شب را از سر نگذرانده بودند و داشتند کاری می‌کردند؛ در حال ساخت‌وساز ایران. اما نمی‌شود. «محال» که می‌گویند، یعنی همین. از همه بدتر می‌دانید چیست؟ اینکه هیچ‌کدام‌مان امید ی برای جلوگیری از تکرار چنین سرنوشت‌هایی نداریم. بهبود شرایط اقتصادی، ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی، تقویت سیستم‌های حمایتی و افزایش نظارت‌های امنیتی می‌تواند راه‌آمل‌هایی برای این ماجرا باشد تا از تراژدی‌های مشابه جلوگیری کند؛ اما ما خسته‌تر و فرسوده‌تر از این هستیم که حتی به این مسائل فکر کنیم. اصلا فکرکردن به آن در این روزهای غم‌انگیز، سانتی‌مانتال به حساب می‌آید. در این ماجرا، زندگی بی‌رحم تنها یک قربانی نگرفت، می‌بینید جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم، یک بار دیگر ناتوانی خود را در محافظت از جوانانش نشان داد.

## ۵.۴ تریلیون دلار

سامانه پرداخت من دولت آمریکا سالانه بیش از ۵.۴ تریلیون دلار، معادل تقریبا ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را مدیریت می‌کند. این سامانه سالانه بیش از ۱.۳ میلیارد پرداخت ازجمله مزایای تامین اجتماعی و کمک‌های مالی به ایالت‌ها و دولت‌های محلی را پردازش می‌کند. به‌تازگی نگرانی‌هایی در پی دسترسی وزارت کارآمدی دولت به ریاست ایلان ماسک به این سامانه پرداخت به وجود آمده است.

### یادداشت

### نسل آینده

### درمیان فشارهای اقتصادی

### داوودطالبی

مائوئیل کاستلر، جامعه‌شناس برجسته اسپانیایی، در کتاب «عصر اطلاعات:اقتصاد، جامعه و فرهنگ»، اشاره می‌کند که جوانان نەتنها آینده‌سازان یک جامعه هستند، بلکه بازناب‌دهنده سلامت اجتماعی و اقتصادی آن جامعه نیز محسوب می‌شوند. زمانی که فشارهای اقتصادی و سیاسی بر یک جامعه افزایش می‌یابد، جوانان اولین قشری هستند که هزینه‌های آن را پرداخت می‌کنند. این جمله به‌خوبی گویای وضعیت جوانان ایرانی در سال‌های اخیر است؛ نسلی که در میان تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی مجبور است آینده خود را در شرایطی نامطمئن و پرچالش بسازد.

از سال ۱۳۸۸ به‌ این سو، ایران با تحریم‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شده است. این تحریم‌ها که ابتدا با هدف محدودکردن برنامه هسته‌ای ایران آغاز شد، به مرور زمان به بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی گسترش یافت. جوانان، به‌عنوان قشری که بیشترین تأثیر را از این تحولات پذیرفته‌اند، در مرکز این بحران قرار دارند.

در سال‌های پس از ۱۳۸۸، تحریم‌ها بر صنایع نفت و گاز متمرکز بودند، اما به مرور زمان به بخش‌های مالی، بانکی و حتی دارویی نیز تسری یافتند. این تحریم‌ها نەتنها باعث کاهش درآمدهای ملی شدند، بلکه فرصت‌های شغلی را نیز برای جوانان محدود کردند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۱، نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۱۴ساله به بیش از ۲۸ درصد رسید، در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۸ حدود ۲۳ درصد بود. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱، نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ساله به حدود ۲۵ درصد رسید.

همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که پیش از ۴۰ درصد از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در ایران بی‌کار هستند یا در مشاغل غیرمرتبط با تحصیلات خود فعالیت می‌کنند.

تحریم‌ها همچنین باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شده‌اند. در سال ۱۴۰۰، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران به کمتر از یک میلیارد دلار رسید، در حالی که این رقم در سال ۱۳۸۸ بیش از چهار میلیارد دلار بود.

تحریم‌ها نەتنها بر اقتصاد، بلکه بر روان و آینده‌نگری جوانان نیز تأثیرات عمیقی گذاشته‌اند. بسیاری از جوانان ایرانی امروز با احساس ناامیدی، بی‌پناهی و اضطراب مواجه هستند.

بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی، فشارهای اقتصادی طولانی‌مدت می‌توانند باعث بروز «سندرم درماندگی‌آموخته‌شده» در افراد شوند. این سندرم که اولین بار توسط مارتین سلیگمن مطرح شد، به حالتی اشاره دارد که فرد پس از مواجهه مکرر با شرایط سخت و غیرقابل کنترل، احساس می‌کند هیچ کنترلی بر زندگی خود ندارد. این وضعیت در میان جوانان ایرانی به وضوح قابل مشاهده است، بسیاری از آنها با وجود تلاش‌های فراوان، قادر به یافتن شغل مناسب یا ساختن آینده مطلوب خود نیستند.

به‌طور مثال، در سال‌های اخیر شاهد افزایش مهاجرت جوانان تحصیل‌کرده به خارج از کشور بوده‌ایم. براساس گزارش‌های رسمی، سالانه بیش از ۱۵۰ هزار نفر از ایران مهاجرت می‌کنند که بخش عمده‌ای از آنها را جوانان تشکیل می‌دهند. این پدیده که به «فرار مغزها» معروف است، نەتنها باعث کاهش نیروی کار متخصص در کشور شده، بلکه آینده توسعه ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

تحریم‌ها باعث شده‌اند جوانان ایرانی مجبور به تغییر سبک زندگی خود شوند. افزایش قیمت‌ها، کاهش دسترسی به کالاها اساسی و محدودیت‌های مالی، جوانان را به سمت مشاغل غیررسمی و کم‌درآمد سوق داده است. در سال‌های پس از ۱۳۹۲، شاهد افزایش مشاغل غیررسمی مانند دست‌فروشی، کار در کافه‌ها و فعالیت‌های اینترنتی بدون مجوز بوده‌ایم. این مشاغل نەتنها امنیت شغلی ندارند، بلکه باعث کاهش کیفیت زندگی جوانان نیز شده‌اند.

جوانان ایرانی امروز در میان فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، مانند ققنوس‌هایی هستند که از خاکستر بحران‌ها سر برمی‌آورند. آنها با وجود همه موانع، نشان داده‌اند که می‌توانند با خلاقیت و پشتکار، آینده خود را بسازند، اما سؤال اینجاست که آیا جامعه جهانی و سیاست‌گذاران داخلی به این نسل فرصت خواهند داد تا باال‌های خود را باز کند یا تحریم‌ها همچنان مانند زنجیرهایی سنگین، مانع پرواز آنها خواهند بود؟ آینده ایران در گرو پاسخ به این پرسش است.